

محدودیت در ارث‌بری زوجه

رضا میهن‌دوست
عضو حلقه علمی افق
دانش‌پژوه دوره عالی فقه مقارن

چکیده: با ظهور اسلام، نابه سامانی میراث زن و به ویژه زوجه، پایان یافت و از وضعیت مناسبی برخوردار شد؛ اما بنابر مصالحی ارث زن، نصف ارث مرد مقرر گردید و بنابر دیدگاه صحیح، میان فقیهان امامیه، زوجه‌ای که دارای فرزند نیست از زمین محروم است و نسبت به ساختمان و درختان، از قیمت آنها ارث می‌برد. شیوه قیمت‌گذاری با فرض حق بقای ساختمان و درختان در زمین به صورت مجانی است. در قانون مدنی ایران، این محرومیت را برای هر زوجه‌ای ثابت دانسته است اما در قوانین مدنی دولت‌های عربی به پیروی از فقه اهل سنت، از اساس، محرومیت را انکار کرده‌اند.

کلید واژگان: میراث، ارث، فرائض، الأحوال الشخصية، زوجه.

پیش‌گفتار

از دورترین ادوار تاریخ که بشر زندگی اجتماعی خود را با تشکیل خانواده آغاز کرد و مالکیت شخصی برای او شناخته شد، مسأله میراث نیز که در واقع، تعیین تکلیف اموال و دارایی آدمی، بعد از فوت او است، مورد توجه قرار گرفت.

در طول تاریخ، در میان اقوام و ملل مختلف، بر پایه عادت‌ها و سنت‌های متداول رات خاصی در زمینه میراث، پدید آمد. طبیعتاً معیار

انتقال اموال انسان به دیگران (پس از فوت) وجود نوعی علقه و رابطه میان متوفی و وارث است.

علقه‌ای که موجب وراثت کسی از دیگری می‌شود، علقه نسبی و یا سببی است. نسب، رابطه دو فرد با یکدیگر به وسیله ولادت است و علقه‌ای که در اثر زوجیت یا ولاء میان دو فرد به وجود می‌آید، علقه سببی نام دارد.^۱

به سبب زوجیت هر یک از شوهر و زن که پس از وفات همسر خود زنده باشد از وی ارث می‌برد، اما آیا زوجه نیز همانند زوج از تمام اموال همسر خود ارث می‌برد یا با محدودیت‌هایی مواجه است؟ فقیهان اسلام در اصل این محدودیت و فقیهان امامیه در چگونگی آن، دیدگاه‌های مختلفی دارند و از آنجا که حقوق کشورهای اسلامی مانند ایران، مصر، لبنان، سوریه، کویت و ... متأثر از فقه اسلامی است، تفاوت دیدگاه فقیهان (امامیه و اهل سنت) موجب تفاوت حقوق ایران و سایر کشورهای اسلامی شده است. نوشتار حاضر به بررسی این مسأله فقهی - حقوقی به صورت مقارن می‌پردازد.

بخش اول: مفهوم ارث

ریشه کلمه میراث و ارث، ماده "ورث" به معنای بقاء، انتقال و دنباله شیء^۲ و در اصطلاح، حقی است که از مرده به زنده به خاطر نسب یا سببی منتقل می‌شود.^۳

بخش دوم: محدودیت زوجه نسبت به برخی از موضوعات ارث در فقه

فصل اول: فقه مذاهب اربعه

فقیهان مذاهب اربعه، محدودیت زوجه نسبت به برخی از موضوعات ارث را، به استناد اطلاق آیه **﴿...وَلَهُنَّ الرِّبْعُ مِمَّا تَرَكَتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمُنُ مِمَّا تَرَكَتُمْ...﴾**^۴، نپذیرفتند. البته در فصل دوم، ذیل پرسش اول، دیدگاه اول، رد استدلال و ذکر مقیدات آیه خواهد آمد.

۱. احمدبن محمد مهدی نراقی، مستند الشیعة فی احکام الشریعة، تصحیح موسسه آل البيت (ع)، ج ۱۹، ص ۱۰؛ احمدبن محمد اردبیلی، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان، تصحیح مجتبی عراقی، علی پناه اشتهاردی و حسین یزدی اصفهانی، ج ۱، ص ۳۴۶؛ موفق‌الدین عبدالله ابن قدامه و شمس‌الدین ابن قدامی مقدسی، المعنی و الشرح الكبير، ج ۷، ص ۳.

۲. لويس معلوف، المنجد، ترجمة محمد بندریگی، ج ۲، ص ۲۱۶۵؛ ابراهیم انیس و دیگران، المعجم الوسیط، ص ۱۰۲۴.

۳. احمدبن محمد مهدی نراقی، همان، ص ۷.

. نساء/۱۲.

شافعی در الامّ^۱ و نووی در المجموع^۲ (مذهب شافعی)، ابن قدامه در المغنی^۳ (مذهب حنبلی)، دسوقی در حاشیه خود بر شرح کبیر^۴، غریانی در مدونة الفقه المالکی^۵ (مذهب مالکی) و ابن محمود در الاختیار^۶ (مذهب حنفی)، تنها به ذکر سهم الارث زوج و زوجه بسنده کرده و اشاره‌ای به مسأله محدودیت زوجه ندارند. شیخ طوسی در «خلاف»^۷ و سید مرتضی در «انتصار»^۸ اعتقاد به عدم محدودیت زوجه را از فقیهان اهل سنت نقل کرده‌اند.^۹

فصل دوم: فقه امامیه

همانگونه که فقیهان اهل سنت بر عدم محدودیت زوجه اجماع دارند، فقیهان امامیه نیز، هر چند که اختلاف نظرهای فراوانی میان آنها مشاهده می‌شود، اما فی الجمله بر اصل محدودیت زوجه، اتفاق نظر دارند.^{۱۰} مهم‌ترین اختلاف دیدگاهها در میان فقیهان شیعه را می‌توان در امور زیر خلاصه کرد:

۱. زوجه از کدام اموال محروم است و آیا محرومیت، نسبت به عین اموال است یا قیمت آن؟

۱. محمّدین ادریس شافعی، کتاب الام مختصر المزمی، ص ۱۳۸.
۲. ابن زکریا محی الدین نووی، المجموع شرح المذهب، ج ۱۶، ص ۷۰.
۳. موفق الدین عبدالله ابن قدامه و شمس الدین ابن قدامی مقدسی، همان، ص ۱۸.
۴. محمّدین احمد دسوقی، حاشیه الوسوقی علی الشرح الکبیر، ج ۶، صص ۵۴۶ و ۵۴۷.
۵. صادق عبدالرحمن غریانی، مدونة الفقه المالک و أدلته، ج ۲، ص ۶۵۶.
۶. عبداللّٰه بن محمود بن مردود الموصلی الحنفی، الاختیار لتعلیل المختار، ج ۵، ص ۱۲۹.
۷. شیخ طوسی، الخلاف، ج ۴، ص ۱۱۶.
۸. سید مرتضی، الانتصار فی انفرادات الامامیه، ص ۵۸۵.
۹. برای مطالعه بیشتر ر. ک:
- أ. سید علی بن محمّد طباطبایی، ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل، ج ۱۴، ص ۳۷۷.
- ب. علی بن احمد ابن حزم الأندلسی، المحلی بالآثار، تحقیق عبدالغفار سلیمان البنداری، ج ۸، صص ۲۷۶ و ۲۷۷.
- ج. عبدالکریم زیدان، المفصل فی احکام المرأة و البيت المسلم فی الشریعة الاسلامیه، ج ۱۱، صص ۲۶۶-۲۶۹.
- د. سعاد ابراهیم صالح، احکام المیراث و الوصیه فی الشریعة الاسلامیه، ص ۴۸.
۱۰. ابن ادریس حلّی، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۳، ص ۲۵۸؛ حسن بن یوسف حلّی، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، ج ۹، ص ۵۱؛ سید محمد آل بحر العلوم، بلغة الفقیه، تعلیق: سید حسین بن محمّد آل بحر العلوم، ج ۳، ص ۸۱؛ احمد بن محمّد مهدی نراقی، همان، ص ۳۵۹؛ سید علی بن محمّد طباطبایی، همان؛ محمّد بن الحسن د مرتضی، الانتصار فی انفرادات الامامیه، ص ۵۸۵.

۲. در صورت ارث بردن زوجه از قیمت، روش قیمت‌گذاری چگونه است؟
 ۳. محدودیت، برای هر زوجه‌ای است و یا تنها برای زوجه‌ای که دارای فرزند نباشد؟

بنابراین مباحث این فصل، تحت عنوان سه پرسش مطرح می‌شود.

پرسش اول: محدودیت، نسبت به کدام اموال؟

در بحث محرومیت زوجه از اموال، پنج دیدگاه مطرح است. اما قبل از پرداختن به آنها، نکاتی به عنوان پیش‌نیاز بحث، ذکر می‌شود.

نکته ۱: آیه دوازدهم سوره نساء، مطلق است و اشاره‌ای به محرومیت زوجه ندارد.

نکته ۲: روایات مورد بحث چند دسته‌اند:

الف. روایاتی که بدون قید، بر ارث بردن زوجه تاکید دارد. مانند صحیحہ ابن ابی یعفر که می‌گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا مرد از خانه و زمین همسرش ارث می‌برد یا در این مورد مرد نیز مانند زن از خانه و زمین ارث نمی‌برد؟ امام علیه السلام فرمودند: «یرثها و ترثه من کل شیء ترک و ترکت»؛ یعنی هر یک از زن و مرد از ترکه دیگری ارث می‌برد.^۱

ب. روایاتی که بر محرومیت زوجه از مطلق زمین دلالت می‌کند. مانند روایت زراره و محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام: «لا ترث النساء من عقار الارض شیئاً»؛ یعنی زنان از زمین ارث نمی‌برند.^۲

ج. روایاتی که بر محرومیت زوجه از رباع (خانه، ساختمان) و ارض رباع (زمین ساختمان) دلالت دارند. مانند روایت یزید صائغ از امام باقر علیه السلام: «ان النساء لایرثن من رباع الارض شیئاً ولكن لهن قيمة الطوب و الخشب»؛ زنان از زمین ساختمان ارث نمی‌برند، ولی از قیمت آجر و چوب (مصالح ساختمانی) ارث می‌برند.^۳

د. روایاتی که بر قیمت‌گذاری ساختمان دلالت دارند. مانند روایت میسره که می‌گوید از امام صادق علیه السلام در مورد میراث زوجه پرسیدم، امام فرمود: «لهن قيمة الطوب و البناء و الخشب و القصب...»؛ زنان از قیمت آجر و ساختمان و مصالح ساختمانی مثل چوب و نی، ارث می‌برند.^۴

۱. شیخ طوسی، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، ج ۴، ص ۱۵۴.

۲. همان، ص ۱۵۲.

۳. شیخ حرّعاملی، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، ج ۲۶، ص ۲۱۰.

۴. محمد بن حسن طوسی، همان، صص ۱۵۲ و ۱۵۳.

ه. مصححهٔ مومن طاق که بر قیمت‌گذاری درختان تصریح دارد. روایت از امام صادق علیه السلام است که می‌فرماید: «لایرثن النساء من العقار شیئاً و لهن من قیمة البناء و الشجر و النخل»؛ زنان از زمین ارث نمی‌برند، ولی از قیمت ساختمان و درخت و نخل ارث می‌برند^۱.

اکنون به بیان دیدگاه‌ها، مستندات و نقد و بررسی آنها می‌پردازیم. برای فهم بهتر نظریات، از روش نموداری استفاده شده است.

دیدگاه ۱. ابن جنید اسکافی:

زوجه هیچ‌گونه محدودیتی نسبت به اموال زوج ندارد.

دلیل: عمومات کتاب و روایاتی که بر ارث بردن بدون قید زوجه، دلالت دارد مانند روایات دسته (الف).

نقد دلیل: ۱. بر اصل محدودیت، اجماع، محصل و منقول است. ۲. عمومات، به وسیلهٔ اخباری که بر محدودیت تاکید دارند مانند روایات دسته ب، تخصیص خورده است. ۳. روایات دسته الف را باید حمل بر تقیه کرد، زیرا محرومیت زوجه از منفردات امامیه است و مفاد روایات موافق دیدگاه اهل سنت.

گفتنی است که نظریهٔ ابن جنید، ضرری به اجماع فقیهان شیعه نمی‌رساند، زیرا قولی نادر است. ضمن اینکه در اصل معتقد بودن ابن جنید به عدم محرومیت، حرف و حدیث‌های فراوانی است؛ زیرا صاحب مفتاح الكرامة که در نقل دقیق اقوال، ممتاز است، در نسبت این نظریه به ابن جنید، مناقشه کرده است. عبارت ابن جنید چنین است: «و اذا دخل الزوج أو الزوجة علی الولد و الابوین کان لالزوج الربع و لالزوجة الثمن من جمیع التركة عقاراً أو أثاثاً و صامتاً و رقیقاً و غیر ذلك ...»^۲؛ هرگاه زوج یا زوجه بر فرزند و پدر و مادر وارد شوند، زوج یک چهارم و یا اگر زوجه باشد یک هشتم از جمیع ترکه (زمین و اثاث و حیوان و برده و ...) ارث می‌برد.

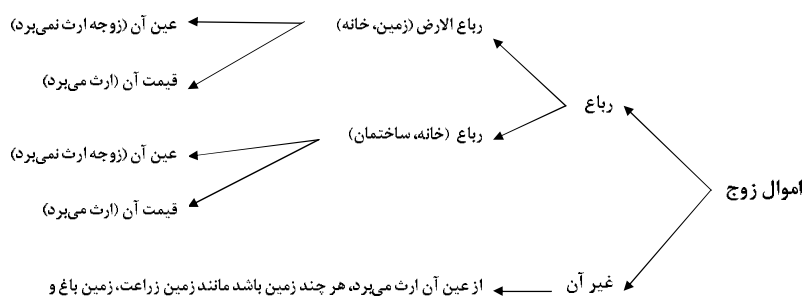
در همین فصل ذیل عنوان پرسش سوم، این نکته را یادآور می‌شود که برخی فقیهان بر این اعتقادند که محرومیت در مورد زوجه‌ای است که دارای فرزند نباشد و برخی، محرومیت را برای مطلق زوجه، ثابت می‌دانند. با حفظ این نکته، یادآور

۱. شیخ حرّعاملی، همان، ص ۲۱۱.

۲. محمدحسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تحقیق: عباس قوچانی، ج ۳۹، ص ۲۰۷.

می‌شویم که علامه^۱ و دیگران (مانند صاحب جواهر)^۲ از این کلام ابن جنید، چنین استنباط کردند که چون لفظ «ولد» به طور مطلق ذکر شده و شامل فرزند زوجه و فرزندی که از غیر زوجه باشد نیز می‌شود، پس به نظر ابن جنید، زوجه، چه خود دارای فرزند باشد و چه دارای فرزند نباشد (بلکه فرزند از زوجه دیگری باشد)، یک هشتم و اگر اصلاً فرزندی برای زوج نبود، یک چهارم از جمیع ترکه، ارث می‌برد و این موافق دیدگاه اهل سنت است. لیکن صاحب مفتاح الکرامة می‌گوید: این کلام ابن جنید که با ذکر وجود فرزند، ارث زوجه را از جمیع ترکه بیان کرده، اشاره آشکاری به این است که به نظر وی زوجه دارای فرزند از جمیع ترکه ارث می‌برد و زوجه‌ای که دارای فرزند نباشد، با محدودیت روبرو است. زیرا متبادر از فرزند در این عبارت، فرزند زوج از همین زوجه است. پس ابن جنید از منکرین محرومیت نیست.^۳

دیدگاه ۲. سید مرتضی^۴:



دلیل: عمومات ارث دلالت دارند که زوجه هم از عین و هم از قیمت، ارث می‌برد و از طرفی روایات (مانند روایات دسته ج) که قدر متیقن آنها، رباع است، بر این تاکید دارد که زوجه نه از عین ارث می‌برد و نه از قیمت آن و مقتضای جمع بین ادله این است که زوجه از قیمت رباع ارث ببرد (به علت مراعات عمومات) و از عین آن ارث نبرد (به دلیل مراعات روایات) و اما غیر رباع (مانند زمین زراعت، زمین باغ، درختان

۱. علامه حلی، همان، ص ۵۳.

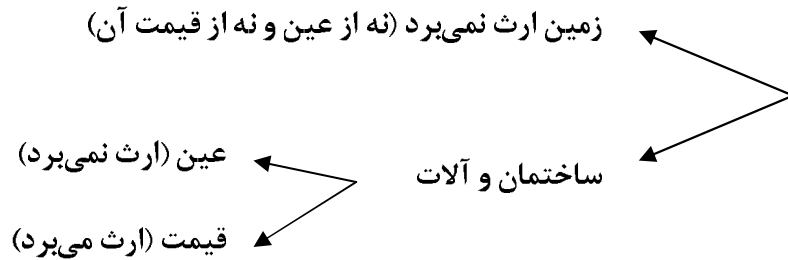
۲. محمدحسن نجفی، همان.

۳. شیخ حرّ عاملی، مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة، ج ۸، ص ۱۹۰.

۴. سید مرتضی، الانتصار فی انفرادات الامامیة، ص ۵۸۵.

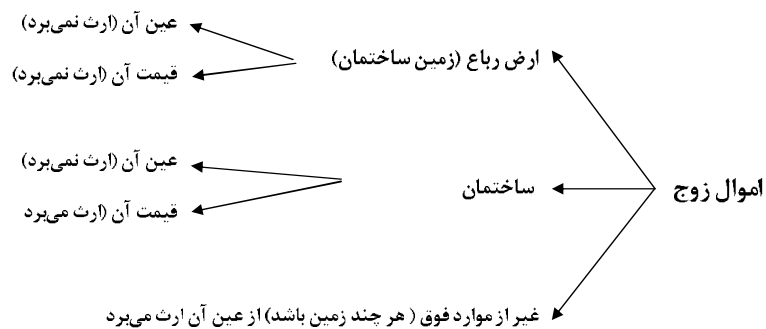
و...) تحت عمومات باقی می‌مانند.

نقد دلیل: ۱. روایات رباع (دسته ج) تفصیل می‌دهد بین:



۲. نظریه سید مرتضی، جمع بین دو دلیل نیست، بلکه طرح هر دو است؛ زیرا عمومات، بر ارث بردن، هم از عین و هم از قیمت دلالت دارد، اما سید مرتضی تنها قائل به ارث بردن از قیمت است. از دیگر سو، روایات نیز بر محرومیت هم از عین و هم از قیمت، دلالت دارد، در حالی که سید قائل به محرومیت از عین شد. ۳. اینکه زوجیه هم از عین و هم از قیمت ارث ببرد، مقتضای عمومات نیست، بلکه عمومات بر اینکه زوجیه از عین، ارث ببرد تاکید دارد.

دیدگاه ۳. شیخ مفید^۱ و ابن ادریس^۲:



دلیل: عمومات کتاب به وسیله روایات متواتر عدم ارث - که قدر متیقن آن، ارض رباع (زمین ساختمان) است - تخصیص می‌خورد و روایاتی که در آن قیمت‌گذاری

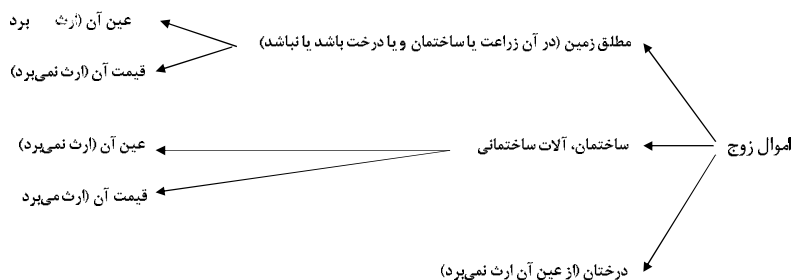
۱. شیخ مفید، المقننه، ص ۶۸۷.

۲. ابن ادریس حلی، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۳، ص ۲۵۹.

ذکر شده، مربوط به ساختمان و آلات آن است (مانند روایات دسته ج) و غیر ارض رباع و ساختمان و آلات ساختمانی، به دلیل اصالة العموم و با توجه به اینکه یقین به تخصیص نداریم، تحت عموم ارث باقی می ماند.

نقد دلیل: عمومات، همان گونه که به وسیله رباع تخصیص خورده است، توسط روایات محرومیت از مطلق زمین (روایات دسته ب) نیز تخصیص خورده است. پس شک در تخصیص نداریم و ذکر خصوص رباع در بعضی روایات محرومیت، منافاتی با اثبات محرومیت برای مطلق زمین در روایات بعدی ندارد.

دیدگاه ۴. شیخ طوسی^۱ و ابن حمزه^۲:



دلیل: عمومات ارث، دو دسته مخصص دارد:

۱. نصوص دال بر محرومیت از مطلق زمین (دسته ب)

۲. نصوص دال بر قیمت گذاری ساختمان و آلات آن (دسته د)

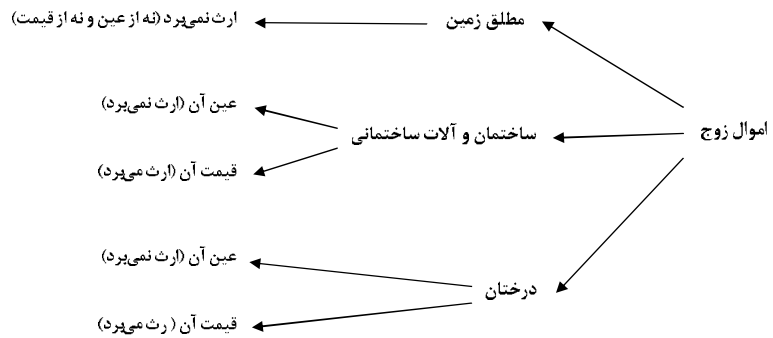
و غیر زمین و ساختمان (مانند درختان) تحت عمومات، باقی می ماند.

نقد دلیل: عمومات ارث در ابتدا به وسیله روایات نفی ارث از زمین، خانه، مزرعه و ... تخصیص خورده اند و نتیجه این تخصیص، محرومیت از زمین، ساختمان و درختان است. ولی این روایات نفی ارث نیز خود، توسط دو دسته از روایات تخصیص خورده اند:

۱. روایاتی که بر قیمت گذاری ساختمان تاکید دارند (روایات دسته د) ۲. مصححه مومن طالق که تصریح به قیمت گذاری درختان دارد. در حالی که شیخ طوسی درختان را از آن دسته اموال می داند که زوجه از عین آن ارث می برد.

۱. شیخ طوسی، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، ص ۶۴۲.

۲. شیخ طوسی، الوسيلة الی نیل الفضيلة، تحقیق: شیخ محمد حسون، ص ۳۹۱.

دیدگاه ۵. مشهور (از جمله علامه^۱ و شهید^۲)

دلیل: با توجه به آنچه در نقد دیدگاه چهارم گذشت، به این نتیجه می‌رسیم که دیدگاه صحیح، دیدگاه مشهور است این دیدگاه هم مقتضای جمع منطقی و صحیح بین نصوص است (در نقد دیدگاه ۴ به این جمع پرداختیم) و هم از پشتوانه شهرت برخوردار است.^۳

پرسش دوم: چگونه قیمت‌گذاری کنیم؟

گفتیم بنا بر مشهور، زوجه از عین ساختمان و درختان ارث نمی‌برد و باید قیمت آنها را به او پرداخت کرد؛ حال بحث در چگونگی تقویم است.

سه طریق برای قیمت‌گذاری ابنیه و اشجار پیش بینی شده است:

الف. ساختمان و درختان، بدون حق بقا در زمین، قیمت‌گذاری شوند که در این صورت قیمت بنا و ساختمان، همان ارزش مصالح ساختمانی است که پس از خراب شدن، باقی می‌ماند و قیمت درختان هم در وضعیت قلع شده، تعیین می‌شود. روشن است که با این فرض ارزش ساختمان و درختان نسبت به ارزش زمین بسیار کم و محدود است.

ب. ساختمان و درختان با فرض حق بقا در زمین و با پرداخت اجرت، قیمت‌گذاری شوند که در نتیجه، مالک زمین نمی‌تواند تخریب ساختمان و قلع درختان را درخواست

۱. علامه حلی، قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام، ج ۳، ص ۳۷۶.

۲. شهید اول، الدروس الشرعية فی فقه الامامية، ج ۲، ص ۳۵۹.

۳. در بیان مستندات دیدگاهها و نقد و بررسی آنها کم و بیش از کتاب بلغة الفقیه استفاده شده است: سید محمد آل بحر العلوم، بلغة الفقیه، صص ۹۵-۸۱.

کند، اما تا هنگامی که ساختمان و درختان باقی هستند، می‌تواند اجرت المثل زمین خود را از مالک ساختمان و درختان بگیرد. ارزش ساختمان و درختان در این صورت، از صورت قبل بیشتر خواهد بود و ارزش آنها نسبت به زمین، رقم قابل ملاحظه‌ای را تشکیل می‌دهد.

ج. ساختمان و درختان با فرض حق بقا در زمین به طور رایگان، قیمت‌گذاری شوند که در نتیجه، مالک زمین، نسبت به درخواست رفع آنها و یا مطالبه اجرت المثل زمین حقی ندارد. ارزش ساختمان و درختان در این صورت، به حداکثر خود می‌رسد و قیمت زمین به میزان زیادی سقوط می‌کند، زیرا زمین، مشغول است و استفاده از آن، معمولاً ممکن نیست؛ چه آنکه روشن نیست پس از چند سال زمین از ساختمان و درختها آزاد شود. حتی می‌توان ادعا کرد که با فرض سوم، ارزش ابنیه و اشجار نزدیک به قیمت زمین و ساختمان و درختان (مجموع آنها) است.

در جواهر^۱، هر ۳ وجه، در مفتاح الکرامة^۲، وجه ۱ و ۳ و در بلغة الفقیه^۳، وجه ۲ و ۳ ذکر شده است.

وجه اول را صاحب مفتاح الکرامة^۴ و صاحب جواهر^۵ ذکر کرده‌اند، اما از کسی اعتقاد و عمل کردن به آن نقل نشده است. وجه دوم در بلغة الفقیه^۶ به شهید ثانی نسبت داده شده است که در رساله ارث^۷ خود، با احتمال آن وجه را پذیرفته است، زیرا زن از زمین ارث نمی‌برد و زمین ملک غیر یا همان سایر ورثه است؛ بنابراین بقای ساختمان، درختان، زمین و ملک غیر، باید با اجرت باشد و با در نظر گرفتن اجاره، باید آن را قیمت نهاد. البته شهید ثانی در شرح لمعه^۸ وجه سوم را اظهر دانسته است.

ولی شاید بتوان گفت اکثر قریب به اتفاق فقیهان، وجه سوم را قبول کرده‌اند و معتقدند ساختمان و درختان با فرض باقی بودن در زمین به طور مجانی و بدون اجرت، قیمت‌گذاری می‌شود؛ زیرا زوجه، ملک دیگری را اشغال نکرده است تا ملزم

۱. محمدحسن نجفی، همان، ص ۲۱۶

۲. جوادبن محمد عاملی، همان، صص ۱۹۶ و ۱۹۷.

۳. سید محمد آل بحر العلوم، بلغة الفقیه، صص ۱۰۴-۱۰۶.

۴. جوادبن محمد عاملی، همان.

۵. محمدحسن نجفی، همان.

۶. سید محمد آل بحر العلوم، بلغة الفقیه، ص ۹۷.

۷. زین‌الدین علی عاملی (شهید اول)، رسائل الشهید الثانی، ج ۱، ص ۴۸۸.

۸. همان، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، تحقیق: محمد کلاتر، ج ۸، ص ۱۷۳.

به پرداخت اجرت آن باشد، بلکه استحقاق ارث بردن از قیمت ساختمانی که بر روی زمین باشد یا درختانی که در زمین غرس و کاشته شده و بقای آنها نیازمند پرداخت اجرت نبوده را پیدا کرده است؛ بنابراین با همین وضعیت باید قیمت شود.^۱

شهید ثانی در رساله میراث زوجه در تایید این گونه قیمت گذاری می گوید: این روش موافق اصل است زیرا اصل، ارث بردن زن از تمام اموال زوج خود است و در مخالفت با اصل باید به قدر متیقن بسنده کرد و کمترین محدودیت را برای زوجه در نظر گرفت.^۲

پرسش سوم: محدودیت، برای کدام زوجه؟

بسیاری از فقیهان معتقدند زنی که از شوهرش دارای فرزند است، هیچ گونه محرومیتی ندارد و از همه اموال شوهر خود ارث می برد، عده ای نیز می گویند این محرومیت، اختصاص به زوجه غیر دارای فرزند ندارد.

از طرفداران دیدگاه اول (تفصیل)، می توان به شیخ طوسی در نهاییه،^۳ ابن حمزه در وسیله،^۴ محقق در شرایع،^۵ شهید اول در لمعه،^۶ شهید ثانی در مسالك،^۷ علامه در مختلف،^۸ عاملی در مفتاح الكرامة^۹ و فاضل مقداد در كنز العرفان^{۱۰} اشاره نمود تا آنجا که شهید ثانی این دیدگاه را نسبت به مشهور می دهد. اما در مقابل، از قائلین دیدگاه دوم (عمومیت محرومیت) شیخ مفید در مقنعه^{۱۱}، سید مرتضی در انتصار^{۱۲} و ابن ادریس در سرائر^{۱۳} است تا آنجا که ابن ادریس ادعای اجماع کرده است.

۱. حسین مهرپور، همان، ص ۱۷۷.

۲. زین الدین بن علی عاملی (شهید اول)، همان.

۳. شیخ طوسی، النهایه، همان.

۴. همان.

۵. نجم الدین جعفر بن الحسن حلی، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۴، ص ۲۸.

۶. محمد بن مکی عاملی، اللعنة الدمشقية فی فقه الامامیه، ص ۲۴۸.

۷. زین الدین بن علی عاملی (شهید اول)، مسالك الاقحام الی تنقیح شرایع الاسلام، ج ۱۳، ص ۱۹۱ و ۱۹۲.

۸. علامه حلی، مختلف الشیعة، همان، ص ۵۲.

۹. جواد بن محمد عاملی، همان، ص ۱۹۱.

۱۰. مقداد بن عبدالله سیوری، كنز العرفان فی فقه القرآن، ص ۶۴۷.

۱۱. شیخ مفید، المقنعه، ص ۶۸۷.

۱۲. سید مرتضی، الانتصار فی انفرادات الامامیه، ص ۵۸۵.

۱۳. ابن ادریس حلی، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۳، ص ۲۵۸.

به هر صورت، هر دو دیدگاه از نظر پیرو و طرفدار، از قوت و شمار قابل ملاحظه‌ای برخوردارند به گونه‌ای که صاحب بلغة الفقیه می‌گوید: «انصاف این است که هر دو قول در معروفیت و تعداد پیرو همسان‌اند»^۱.

دلیل دیدگاه دوم (عمومیت محرومیت)، اخباری است که دلالت بر محرومیت زوجه، بدون اختصاص به غیر دارای فرزند، دارد^۲ و دلیل مخصّص نیز در کار نیست. حکمتی هم که در بعضی از روایات به عنوان علت محرومیت زوجه از زمین و ساختمان ذکر شده (زوجه قرابت نسبی با خانواده شوهر ندارد و ممکن است بعد از او شوهر دیگری بگیرد و او را بر خانه و املاک خانواده شوهر، مسلط نماید) در مورد هر دو زوجه جاری است.^۳

تنها مقطوعه ابن‌اذینه بر ارث زوجه ذات ولد از تمام ترکه دلالت دارد، که آن هم چون سندی متصل به امام ندارد و معلوم نیست قول امام باشد، حجت نخواهد بود و نمی‌توان این همه اخبار را با یک روایت مقطوعه کنار گذاشت و تخصیص زد.

مستند روایی کسانی که می‌گویند زوجه دارای فرزند از تمام ترکه، ارث می‌برد، روایتی مقطوعه از ابن‌اذینه با این عبارت است: «فی النساء اذا كان لهن ولد، اعطین من الرباع»^۴؛ یعنی زنان اگر دارای فرزند باشند از خانه و مسکن ارث می‌برند.

هر چند این روایت، مقطوعه است و سند آن به امام متصل نشده؛ اما عمل کردن شمار فراوانی از فقیهان بزرگ به مفاد آن تا حد شهرت، می‌تواند ضعف آن را جبران کند و از طرفی ابن‌اذینه خود از بزرگان شیعه و معتمدین است؛ او کسی نیست که خودسرانه و بدون تکیه بر قول معصوم علیه السلام در حکم خدا سخنی بگوید و فتوای به رای دهد. همچنین بزرگانی چون شیخ صدوق و شیخ طوسی نیز که این روایت را از ابن‌اذینه نقل کرده‌اند، طبعاً با اعتماد به اینکه سخن امام علیه السلام است، پذیرفته‌اند، و گرنه آن دو کسانی نیستند که چیزی را که نزد شیعه حجت نیست و از اهل بیت علیهم السلام صادر نشده باشد، در کتب حدیثی خود و در شمار روایات نقل کنند.^۵

اما در مورد حکمتی که در چند خبر برای محرومیت زوجه از ارث بردن زمین و خانه آمده است (بیم از ازدواج مجدد زن و مسلط کردن شوهر جدید بر اموال غیر

۱. سید محمد آل بحر العلوم، بلغة الفقیه، ص ۹۷.

۲. در همین فصل، برخی از این روایات، با عنوان پرسش اول مطرح شدند.

۳. زین‌الدین‌بن‌علی عاملی (شهید اول)، رسائل الشهید الثانی، ص ۴۶۶.

۴. شیخ طوسی، الاستبصار، همان، ص ۱۵۵.

۵. جوادبن‌محمد عاملی، همان؛ حسین مهرپور، همان، صص ۱۶۶-۱۷۱.

منقول خانواده شوهر در گذشته خود) اولاً علت تام نیست؛ دوماً به هر حال وجود این حکمت و فلسفه، در زنی که دارای فرزند نیست، بیش‌تر از زوجه دارای فرزند یافت می‌شود، چه اینکه می‌توان گفت بیش‌تر زنانی که دارای فرزند نیستند، شوهر می‌کنند و بیش‌تر زنانی که فرزند دارند، شوهر جدید بر نمی‌گزینند. در نتیجه دیدگاه کسانی که بر ارث بردن کامل زوجه دارای فرزند تاکید دارند، قوی‌تر به نظر می‌رسد.

بخش سوم: بررسی مساله در قوانین مدنی کشورهای اسلامی

فصل اول: دولت‌های عربی

همان‌طور که گفته شد، اهل سنت به مساله محرومیت زوجه هیچ اشاره‌ای نکرده و تنها به ذکر سهم الارث زوجه اکتفا نموده‌اند؛ طبیعتاً در قوانین مدنی دولت‌های عربی نیز وضعیت به همین صورت است.

در قانون کویت ماده ۲۹۵ بند ب مذکور است: ب. «یکون الارث بالزوجیه بطریق الفرض»؛ یعنی زوجه از آن دسته از وارثانی است که صاحب فرض است، و در ماده ۲۹۹ بند الف، سهم الارث زوج را مطرح کرده و در بند ب می‌گوید: «و لالزوجه و لو كانت مطلقه رجعیاً اذا مات الزوج و هی فی العده او الزوجات فرض الربع عند عدم الولد، و ولد الابن و ان نزل، و الثمن مع الولد او ولد الابن و ان نزل...» زوجه هر چند که طلاق رجعی داده شده باشد، اگر در عده است و همسر او مُرده، یک چهارم ارث می‌برد، البته اگر فرزندی و نوه پسری و نبیره به پایین، نداشته باشد و اگر یکی از فرزند، نوه و یا نبیره به پایین باشد، سهم الارث او یک هشتم می‌شود.^۱

در قانون سوریه در ماده ۸۳۶ بند ۱ مذکور است که: «تعیین الورثة و تحديد انصبتهم فی الارث و انتقال اموال التركة اليهم تسری فی شانها احکام الشریعة الاسلامیة و القوانين الصادرة فی شان الارث و الانتقال»^۲ یعنی در بحث ارث، مواد قانونی از مسائل فقهی برگرفته شده است.

در کتاب الوسیط^۳ (مانند کتاب فقه الموارث فی المذاهب الاسلامیة و القوانين العربیة)^۴ قوانین کشورهای اسلامی را مطرح کرده است و در قسمت ارث زوجه تنها

۱. دعیج مطیری، احکام المیراث «دراسة فقهیة تطبیقیة مقارنة علی ضوء قانون الاحوال الشخصیة الكويتی»، صص ۳۵ و ۳۶.

۲. منیر شاکر و خیرالدین حبی، موسوعة التشريع السوری، ج ۱۴، ص ۵۰۵.

۳. عبدالرزاق احمد سنهوری، الوسیط فی شرح القانون المدني الجدید، ج ۹، مجلد ۱، ص ۸۲.

۴. عبداللطیف فایز دریان، فقه الموارث فی المذاهب الاسلامیة و القوانين العربیة، ج ۴، ص ۱۵۸۴.

به سهم الارث آن پرداخته و هیچ خلاقی را از دولت‌های عربی نقل نکرده است؛ از این می‌توان نتیجه گرفت که قانون مدنی مصر، لبنان و ... نیز به همین منوال است.

فصل دوم: دولت جمهوری اسلامی ایران

حقوق ایران و به خصوص قانون مدنی آن برگرفته از فقه امامیه می‌باشد و از همین روی، مطالب این فصل نیز مانند فصل دوم از بخش دوم (فقه امامیه)، ذیل ۳ پرسش مطرح می‌شود.

پرسش اول: محدودیت، نسبت به کدام یک از اموال؟

مادّه ۹۴۶ از قانون مدنی در این مورد مقرر می‌دارد: «زوج از تمام اموال زوجه ارث می‌برد، اما زوجه از اموال ذیل ارث می‌برد:

۱. از اموال منقوله از هر قبیل که باشد؛
۲. از ابنیه و اشجار.

و نیز مادّه ۹۴۷ اعلام می‌دارد: «زوجه از قیمت ابنیه و اشجار ارث می‌برد و نه از عین آنها و طریقه تقویم آنها این است که ابنیه و اشجار با فرض استحقاق بقا در زمین بدون اجرت تقویم می‌گردد».

مادّه ۱۹ از قانون مدنی اموال منقول را این‌گونه تعریف کرده است: «هر مالی که بدون ایجاد خرابی به خود مال یا محل آن، بتوان آن را از نقطه‌ای به نقطه دیگر نقل کرد». با این تعریف، اثاث منزل، وجه نقد، اتومبیل، کشتی و امثال آن، از اموال منقول محسوب می‌شوند. اما برخی اموال، در حکم منقول هستند مانند طلب کاری، حق اختراع، حق تالیف، سهام شرکت‌های بازرگانی و مانند آن.

ابنیه جمع بنا و مقصود از آن، هر وضعیت احداث شده در زمین به وسیله انسان است، خواه در زمین و یا در روی زمین، بنابراین شامل ساختمان، استخر، قنات، چاه آب، کانال‌های آب و برق، تونل‌ها، راهروهای زیرزمینی، انبار آب یا نفت، سنگفرش و امثال آن می‌شود.

اشجار نیز شامل درخت‌های بزرگ و کوچک و نهال ثابت در زمین و گیاهان بوته‌ای مانند بوته زعفران و یا گل، می‌شود چه به وسیله باد و عوامل طبیعی و جابه‌جایی بذر به وجود آید و یا به وسیله انسان.^۱

۱. مهدی شهیدی، ارث، صص ۱۶۳-۱۶۶.

پرسش دوم: چگونه قیمت گذاری کنیم؟

ماده ۹۴۷ از قانون مدنی مقرر می‌دارد: «زوجه از قیمت ابنیه و اشجار ارث می‌برد و نه از عین آنها و طریقه تقویم، آن است که ابنیه و اشجار با فرض استحقاق در زمین، بدون اجرت، تقویم گردد.»

توضیح و شرح مطلب در بخش دوم، فصل دوم، ذیل عنوان پرسش دوم، گذشت.^۱

پرسش سوم: محدودیت، برای کدام زوجه؟

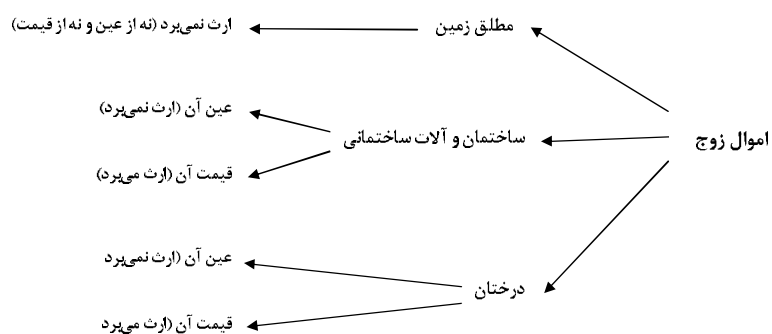
قانون مدنی، بین زوجه دارای فرزند و غیر آن تفاوتی نگذاشته است و به طور کلی زوجه را از ارث بردن زمین و عین ساختمان و درختان محروم دانسته است. ماده ۹۴۷ به طور مطلق می‌گوید: «زوجه از قیمت ابنیه و اشجار ارث می‌برد و نه از عین آنها...» و ماده ۹۴۶ نیز به طور مطلق می‌گوید: «زوجه از اموال منقوله از هر قبیل که باشد و از ابنیه و اشجار ارث می‌برد.»^۲

نکته گفتنی اینکه قانون مدنی در پرسش اول و دوم نظریه مشهور را برگزیده و در پرسش سوم نیز گفته شد که هر دو دیدگاه از طرفداران متعدد و قوی برخوردارند.

نتیجه

با توجه به مطالبی که ذکر شد، نتیجه مقاله در ۳ امر ذیل خلاصه می‌شود:

۱. محدودیت نسبت به اموال، این‌گونه دسته‌بندی می‌شود:



۱. همان، صص ۱۶۶ و ۱۶۷.

۲. حسین مهرپور، همان، ص ۱۷۱.

طریقهٔ قیمت‌گذاری با فرض حق بقای ساختمان و درختان در زمین به صورت مجانی است.

۲. زوجهٔ دارای فرزند به صورت کامل ارث می‌برد و محدودیت مخصوص غیر آن است.

منابع

۱. قرآن مجید.
 ۲. آل بحر العلوم، سید محمد، بلغة الفقیه، تعلیق: سید حسین بن محمد آل بحر العلوم، ۴ جلد، چاپ چهارم، مکتبه الصادق، تهران، ۱۴۰۳ ق.
 ۳. اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان، تصحیح مجتبی عراقی، علی پناه اشتهاردی و حسین یزدی اصفهانی، ۱۴ جلد، نشر اسلامی، قم، ۱۴۰۳ ق.
 ۴. الموصلی الحنفی، عبداللبن محمود بن مردود، الاختیار لتعلیل المختار، تعلیق محمود ابودقیقه، ۵ جلد، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.
 ۵. الاندلسی، علی بن احمد بن حزم، المحلی بالآثار، تحقیق عبدالغفار سلیمان البنداری، ۱۲ جلد، دارالفکر، بیروت، ۱۴۲۱ ق.
 ۶. انیس، ابراهیم و دیگران، المعجم الوسیط، چاپ هفتم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۶.
 ۷. حلّی، ابن‌ادریس، السرائر الحاوی التحریر الفتاوی، ۳ جلد، چاپ دوم، نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۰ ق.
 ۸. حلّی، حسن بن یوسف، قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام، تحقیق: نشر اسلامی، ۳ جلد، نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۳ ق.
 ۹. _____، مختلف الشیعة فی احکام الشریعة، تصحیح: نشر اسلامی، ۹ جلد، چاپ دوم، نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۳ ق.
 ۱۰. حلّی، نجم‌الدین جعفر بن الحسن، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، تحقیق: محمّدعلی بقال، ۴ جلد، چاپ دوم، موسسه اسماعیلیان، قم، ۱۴۰۸ ق.
 ۱۱. دریان، عبداللطیف فایز، فقه الموارث فی المذاهب الاسلامیه و القوانين العربیه، ۴ جلد، دار النهضة العربیه، بیروت، ۱۴۲۷ ق.
 ۱۲. دسوقی، محمّد بن احمد، حاشیه الدسوقی علی الشرح الکبیر، ۶ جلد، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۷ ق.
 ۱۳. زیدان، عبدالکریم، المفصل فی احکام المرأة و البیت المسلم فی الشریعة الاسلامیه، ۱۱ جلد، چاپ سوم، موسسه الرساله، بیروت، ۱۴۱۷ ق.
 ۱۴. سنهوری، عبدالرزاق احمد، الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، ۱۰ جلد در ۱۴ مجلد، چاپ سوم، منشورات الحلبي الحقوقیه، بیروت، ۲۰۰۰ م.
- . سیوری، مقداد بن عبدالله، کنز العرفان فی فقه القرآن، تحقیق: عبدالرحیم عقیقی بخشایشی،

- چاپ دوم، نوید الاسلام، قم، ۱۴۲۴ق.
۱۶. شافعی، محمد بن ادریس، کتاب الام مختصر المزنی، دار المعرفه، بیروت، بی تا.
۱۷. شاکر، منیر و حبی، خیر الدین، موسوعه التشریح السوری، اشراف: المحامی رشدی الحلاق، ۱۶ جلد، الدار المتحدہ، دمشق، ۱۴۲۴ق.
۱۸. شہیدی، مہدی، ارث، سمت، تہران، ۱۳۷۴.
۱۹. صالح، سعاد ابراہیم، احکام المیراث و الوصیة فی الشریعة الاسلامیة، چاپ سوم، دار عالم الکتب، ریاض، ۱۴۲۰ق.
۲۰. طباطبائی، سید علی بن محمد، ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل، ۱۶ جلد، موسسه آل البيت (ع)، قم، ۱۴۱۸ق.
۲۱. طوسی، محمد بن الحسن، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، ۴ جلد، چاپ سوم، دار الکتب الاسلامیة، تہران، ۱۳۹۰ق.
۲۲. _____، الخلاف، ۶ جلد، چاپ اول، نشر اسلامی، قم، ۱۴۰۷ق.
۲۳. _____، النہایة فی مجرد الفقہ و الفتاوی، چاپ دوم، دار الکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۰ق.
۲۴. طوسی، محمد بن علی بن حمزہ، الوسیلة الی نیل الفضیلة، تحقیق: محمد حسن، مکتبہ آیت اللہ المرعشی النجفی، قم، ۱۴۰۸ق.
۲۵. عاملی محمد بن الحسن، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، ۲۹ جلد، موسسه آل البيت (ع)، قم، ۱۴۰۹ق.
۲۶. عاملی، جواد بن محمد، مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة، ۱ جلد، بی نا، بی جا، بی تا.
۲۷. عاملی، زین الدین بن علی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، تحقیق: محمد کلانتر، ۱۰ جلد، مکتبہ الداوری، قم، ۱۴۱۰ق.
۲۸. _____، رسائل الشہید الثانی، ۲ جلد، مکتبہ الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۲۱ق.
۲۹. _____، مسالک الافہام الی تنقیح شرایع الاسلام، تحقیق: موسسه معارف اسلامی، ۵ جلد، موسسه معارف اسلامی، قم، ۱۴۱۳ق.
۳۰. عاملی، محمد بن مکی، الدروس الشرعیة فی فقہ الامامیة، ۳ جلد، چاپ دوم، نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۷ق.
۳۱. _____، اللمعة الدمشقیة فی فقہ الامامیة، تحقیق: محمد تقی مروارید و علی اصغر مروارید، دار التراث، الدار الاسلامیة، بیروت، ۱۴۱۰ق.
۳۲. غریانی، صادق عبدالرحمن، مدونة الفقہ المالک و أدلته، ۴ جلد، موسسه الريان، بیروت، ۱۴۲۲ق.
۳۳. مطیری، دعیج، احکام المیراث دراسة فقهیة تطبیقیة مقارنة علی ضوء قانون الاحوال الشخصیة الکویتی، مجلس النشر العلمی، کویت، بی تا.
۳۴. معلوف، لويس، المنجد، ترجمه محمد بندر ریگی، ۲ جلد، چاپ چهارم، انتشارات ایران، تہران، ۱۳۸۲.
- _____، مفید، محمد بن محمد بن نعمان، المقنعه، المؤتمر العالمی لأفقیہ الشیخ المفید، قم، ۱۴۱۳ق.

٣٦. موسى، علي بن الحسين (سيد مرتضى)، الانتصار في انفرادات الامامية، تصحيح: نشر اسلامي، نشر اسلامي، قم، ١٤١٥ق.
٣٧. موفق الدين، عبدالله بن قدامه و شمس الدين، ابن قدامي مقدسي، المغني و الشرح الكبير، ١٢ جلد، دارالكتب العربي، بيروت، ١٤٠٣ق.
٣٨. مهرپور، حسين، بررسى ميراث زوجه در حقوق اسلام و ايران، انتشارات اطلاعات، تهران، ١٣٦٨.
٣٩. نجفي، محمدحسن، جواهر الكلام في شرح شرائع الاسلام، تحقيق: عباس قوجاني، ٤٣ جلد، چاپ هفتم، دار احياء التراث العربي، بيروت، بي تا.
٤٠. نراقي، احمد بن محمد مهدي، مستند الشيعة في احكام الشريعة، تصحيح مؤسسة آل البيت عليه السلام، ١٩ جلد، مؤسسة آل البيت عليه السلام، قم، ١٤١٥ق.
- . نووي، ابن زكريا محي الدين، المجموع شرح المهذب، ٢٠ جلد، دارالفكر، بيروت، بي تا.